

خانواده زیر بمباران الگوهای غریب نهاد خانواده را در برابر آسیب ها مصون سازیم

با شش‌دانگ حواس همراه با اعضای خانواده پای تلویزیون می نشینیم و غرق تصاویر

نمایشی؛ چهره های خشن و غریبه، صورتک های چند رنگ، مدل های جذاب و

جدید پوششی، کلمات سرد، تلخ و قهرآمیز و بعضاً خنده آور و ... و ... اما در همین

حال به اصطلاح سرگرم شدن ته دلمان از واژه ها، رفتارها و حرکات به سوز و جوش

می آید ...

فیلم و یا سریال که گاه تا ۹۰ قسمت نیمی از ذهن و حرف و روان مان را تسخیر

خواهد کرد... نه کاری برای جلوگیری از غرق شدن روح و جسم مان و نه قدردانی

و نگاهداشت حریت هویت اصیل شخصیتی و ملی مان! ...

بی تردید در جهان امروز خانواده زیر یک بمباران تکنولوژی و مبادله تحمیلی یک

سویه اطلاعاتی قرار دارد پیدا کنیم تربیت ایرانی و همدلی وهمزبانی را ...

ابزارهای رسانه ای حصارى را اطراف خانواده ها کشیده اند و افکار کوچک و بزرگ

خانواده را با ارائه شیوه های رفتاری و گفتاری در قالب سریال و فیلم و برنامه به

چالش می کشند و تا حدودی فرهنگ و بافت های تربیتی بومی و ملی را تغییر می

دهند. در این فضای چالش برانگیز، ضرورت نقش پدر و مادر و اولیای تربیتی و

آموزشی بیش از پیش آشکار می شود که با درایت، هوشمندی و اقتدار تمامی تلاش

خود را برای حفظ کیفیت تربیت فرزندان به کار گیرند .

خانواده زیر بمباران اطلاعاتی

دکتر حسین ابراهیمی مقدم روانشناس و استاد دانشگاه در ادامه بیان دیدگاه های

خود که در شماره های پیشین منتشر شد به موضوع مهم و ظریف دیگر یعنی -

تحمیل -وسایل مدرن رسانه ای اشاره می کند و می گوید: «ما و فرزندان ما در

موقعیت کنونی تحت بمباران اطلاعاتی هستیم .

از این طریق همه روزه اطلاعاتی از طریق اینترنت، ماهواره، تلویزیون ، رادیو و ...

در اختیارمان قرار می گیرد و دنیای به اصطلاح پیشرفته و مثلاً متمدن را این گونه

می نمایند که اعضای خانواده با یکدیگر بسیار راحت بوده - و هستند - و هیچگونه

القاب زیبا و شاخصی بین آنها رد و بدل نمی شود .»

به گفته این استاد دانشگاه، فردی که کمتر اهل بررسی و امعان نظر است شاید به

غلط این گونه تصور کند که دلیل پیشرفت این افراد، هنجارشکنی در روابط

خانوادگی هم بوده، لذا به غلط راهی را انتخاب می کند که نتیجه اش دوری و فاصله

بین اعضای خانواده است. از طرف دیگر خود یادگیری مشاهده ای یعنی یاد گرفتن

از راه دیدن الگوها مثلاً چگونگی رفتار یک هنرپیشه در فیلم با پدر و مادرش شاید

برای فرزندان ما به عنوان یک درس محسوب شود و فرزندان ما ندانسته روش

رفتاری آن هنرپیشه را در پیش بگیرند؛ روشهایی مثل تمرد و سرپیچی از خواسته

های خودمحوری، لجاجت، بی احترامی و خود رایی که اینها همه منجر به افت تربیتی

خانواده می شود.»

توانایی و توجه به پرورش سالم فرزندان از هر جهت، اصلی ترین ثمره و سرمایه

زندگی هر خانواده و نسل است. هر یک از خانواده ها سهم و مسئولیتی در تعالی

فلسفه زندگی دارند قصور و بهانه در پرورش روان و فکر و تربیت بچه ها نه تنها در

سرنوشت فرزند و خانواده اثر می گذارد که به نوعی به فرهنگ و رفتار و اخلاق

جامعه هم خدشه وارد می کند. در همه دوران حیات بشر، خانواده به عنوان اولین

اجتماع محسوب بوده و هست، اجتماعی که از بطن طبیعت و خود ساخته طبیعی

شکل یافته است. خانواده در پروسه زندگی عامل تداوم بقا انسان و تربیت مثبت

است. حضرت محمد «ص فرموده است:» هر کس تربیت و ادب ندارد، از عقل هم

بهره ای ندارد.»

«آگوست کنت» یکی از فیلسوفان غربی نیز در خصوص جایگاه انسان و اجتماع، می

گوید: جامعه از تمام افراد زنده و نیز کسانی که از جهان رفته اند ولی با تاثیر خود در

ذهن آیندگان به حیات خویش ادامه می دهند، تشکیل شده است. به اعتقاد وی

جامعه انسانی به خردمندی اعضایش ممتاز است. تعلق و وابستگی در جامعه انسانی

تنها افراد معاصر را بهم مربوط نمی کند. پیوند گذشتگان و آیندگان چنان است که

می توان گفت مردگان از پیش بر زندگان حاکمیت می کنند: زندگی انسان تحت

تاثیر میراث های فرهنگی و اخلاقی گذشتگان است ...

حرمت و تربیت ورای نگاه نجیبانه

در سوز و سرمای گزنده عصرگاه روز برفی مشغول نظافت و جاروکشی حاشیه

خیابان است. شلاق سرمای هوا پوست نازک چهره اش را کبود کرده است. سن

کمی دارد .

می گوید حدود یک ماه است که مشغول کار رفتگری شده است. ماهی ۲۰۰ هزار

تومان حقوق می گیرد. «غلام حضرت» تبعه افغانستان است. پدر کارگر و مادر خانه

دار به اتفاق سه برادر و خواهرش در کرج زندگی می کنند. می پرسم خودت و

خواهر و برادرت با پدر و مادرت سازگاری دارید؟ می خندد... صورتش کمی سرخ

می شود. ظاهراً مسئله ای به نام ناسازگاری تربیتی و رفتاری برایش غریبه است. می

گوید: «آخر هر هفته می روم به خانواده ام سر می زنم. همه با هم خوب و راحت

هستیم.» این نوجوان از محل حقوقش به پدر و مادرش کمک کند و گوشه ای از

هزینه زندگی آنها را تامین می کند .

تبسم نجیبانه ای باز چهره اش را رنگ به رنگ می کند. آرام پاسخی در پس زمینه

نگاه محبوبانه اش می دهد: «آنها بزرگم کرده اند. بد بچه ها را نمی خواهند.» حس

می کنم عجله دارد ته مانده زباله ها را با سر جارو جمع کند و ...

نان حلال

از پشت شیشه درون مغازه را نگاه می کنم. تنها فروشنده ای میانسال روی صندلی

نشسته و مشغول مطالعه است. درون تمام قفسه های سه سمت مغازه انبوه شمع

های رنگین با اشکال و اندازه های مختلف، حس و شعف دوست داشتنی به روان

بیننده برمی تابانند. همراه با یک مشتری وارد مغازه می شویم. مشتری نگاهی به

قفسه ها می اندازد. فروشنده انگشتش را لای کتاب می گذارد. حالا متوجه می شوم

که او مشغول قرائت قرآن مجید بوده است .

از «عبداله بهبودی» درباره نقش خانواده در تربیت سالم فرزندان می پرسم و این

که چرا برخی بچه ها حرمت والدین را رعایت نمی کنند؟ .

پاسخش این است: «نان باید حلال باشد.» منتظرم حرفش را ادامه بدهد اما لحظه

ای مات نگاهم می کند. ظاهرا همه توضیحات خود را در همین یک جمله خلاصه

کرد ... می گوید: «قدیم پدر کارگر بود اما با همان شرایط بهترین فرزندان را تربیت

می کرد بچه هایی که احترام به پدر و مادر می گذاشتند.» می گویم امروزه برخی از

والدین می گویند به دلیل مشغله های کار و زندگی کمتر فرصت رسیدگی به تربیت

و رفتار بچه ها دارند. می گوید: «من مشغله زیاد را قبول نمی کنم. تربیت لازمتر از

هر کار است. این که عده ای از بچه ها در بعضی خانواده ها خوب تربیت نمی شوند

و احترام به بزرگترها نمی گذارند، دلیلش مشغله نیست. من معتقد به نان حلال و

ثمره آن هستم. پنج فرزند دارم همگی درس خوانده و می خوانند و مشکل تربیتی

در کار نیست.»

آنجا که چشم باز و گوش بسته می شود

یک دانشجو، درباره جایگاه و نقش خانواده در تربیت فرزندان از زاویه متفاوتی با

برخی نظرات می نگرد و این که فرزندان در زمان کودکی و نوجوانی فکر می کنند

پدرشان در تأمین خواسته هاشان توانا است ولی تا به سن بلوغ و جوانی می رسند

فکرشان عوض می شود و بعضاً مغایر دیدگاه و خواست های پدر می شود .

«مهدی محمداسماعیلی» که در رشته برق تحصیل می کند، می افزاید: «تعداد

فرزندانی که از نوجوانی حرف پدر و مادر خود را به اصطلاح نمی خوانند و حتی

اشتباه تلقی می کنند کم نیست» از وی درباره خصوصیات مطلوب یک جوان و

نوجوان ایرانی می پرسم .

وی می گوید: «باید حق و حرمت والدین را بشناسند. به هر حال پدر و مادر،

نزدیکترین کسان فرزندان هستند. بنابراین اکثر والدین سعادت و سلامت بچه

هاشان را می خواهند لیکن بسیاری جوانانی که حتی تا زمان بزرگسالی تکیه گاه

مادی زندگیشان را پدر و مادر می دانند .اینان همان طیف **نوجوان و جوانانی** هستند

که در کودکی شان پدر خود را قوی و توانا می پنداشتند اما بعد و از نوجوانی، سر از

اطاعت و حرمت پدر و مادر برتابانده و تفکر و انتظارات مثبت آنان را قبول نکرده

اند .

فرزندسالاری

یک خانم پزشک، علت افت تربیت و حرمتداری برخی از بچه های امروزی در

محیط خانواده را فرزندسالاری می داند .

به گفته «فرانک شادان پور» پدران و مادرانی که به هر عنوان به فرزندان شان بیش

از حد متعارف و فراتر از موقعیت تعقل و نیاز آنان میدان دهند طوری که فرزند

سالاری را در کانون خانواده حاکم کنند، به همان نسبت بچه ها لوس تربیت می

شوند در نتیجه در سنین بالاتر همان نوع تربیت به صورت حرمت شکنی و عدم

احترام به والدین و ...متجلی می شود .

این پزشک می افزاید: «در سالهای پیش بچه ها عموماً چنین خودرأی نمی شدند.

هر چه پدر و مادر می گفتند قبول می کردیم اما حالا پدر و مادر هر چه که به

مصلحت و سعادت و لزوم حرمتداری فرزندان است برای بچه ها بازگو می کنند

اما، آنها گوش نمی دهند چرا که تربیت فرزندسالاری در فکر و روحشان

تأثیر گذاشته است.»

هویت بخشی به فرزندان

اما یک کارشناس امور جوانان هلال احمر، معتقد است مسئله تربیت و حرمت

جایگاه خانواده به هویت شناسی شخصیت باوری جوان در جامعه بازمی گردد.

«کمال متقیان» می گوید: «عمده مشکلی که الان در بین جوانان وجود دارد و تضاد

بین مفاهیم تربیت و اجتماع ایجاد کرده است، موضوع هویت آنان است . جوان آن

شخصیت و باورهایی را که بتواند در اجتماع و در زندگی شخصی خود موفق باشد،

ندارد زیرا این هویت اجتماعی را باید ابتدا خانواده در او ایجاد می کرد. این هویت با

احترام والدین به جوان و برقراری مهر و محبت در محیط خانواده ایجاد می شود.

باید به سخن جوانان با دید واقعی نگاه کنند نه به صورت گذرا و تفننی. اجابت این

نکات سبب هویت یابی مثبت جوان در خانواده می شود. در آن حال هم که جوان

وارد اجتماع می شود بتوانیم فضاهای مناسب برایش ایجاد کنیم تا در این فضا به

کارهای اجتماعی، عام المنفعه و اموری که موجب پرورش و ارتقاء شخصیتی-

اجتماعی او می شود با امنیت خاطر فعالیت کند. به طور مثال کسی که وارد تشکل

جوانان هلال احمر شده وقتی با آرم و کاور تشکل جوانان هلال فرضا به بم- زلزله

زده- می رود و خدمت رسانی می کند، بعد هم در شهر خودش به افراد نیازمند

کمک می کند و مورد تشویق و قدردانی افرادی که به آنها کمک کرده قرار می

گیرد، احساس خوشایندی به او دست می دهد که برای مردم کشورش مفید واقع

شده است و متقابلاً جامعه هم برای او ارزش قائل است. احترام بین این جوان و

جامعه منجر به هویت اجتماعی جوان می شود. سویه دیگر این اتفاقات مثبت انسانی

آن است که آن جوان برای قوانین جامعه و خانواده ارزش قائل می شود. اما اگر

هویت مثبت صورت نگیرد، در آن شرایط جوان در خیلی از مواقع در خانه و

خانواده و جامعه هیچگونه معیار و قوانینی برایش مهم به نظر نمی آید. بنابراین، یک

نوع اختلال در روابط و مشکلاتی در خانواده و از جمله اجتماع ایجاد خواهد شد .

به گفته این کارشناس امور جوانان، ایجاد حداقل زمینه های مورد نیاز جوانان و به

طور کلی فرزندان از جمله محبت و تأمین نیازهای مالی آنان عامل رشد آنها از

منظر شخصیتی خواهد بود .

وی می گوید: «باید برای جامعه، حداقل ها را فراهم کنیم تا امکان رشد مناسب

فرزندانمان بیشتر مهیا باشد. اگر حداقل ها رعایت شوند عده بیشتری از افراد

خانواده به مسیر رشد مطلوب اخلاقی و فکری رهنمون می شوند.



بیچاره مردمی که فرمانروایانشان ، شاگردان رسانه ها باشند . ارد بزرگ

خموشی ، دری به سوی نگاه ژرف تر است . ارد بزرگ

پیشوایان در سخت ترین راه ها همیشه تنها بوده اند . جبران خلیل جبران

حقیقت نیازمند نقد است نه ستایش . فریدریش ویلهلم نیچه